

پاپیون: روایتی از مقاومت انسانی در برابر نقض فاحش حقوق بشر در مستعمرات کیفری فرانسه

هلن اولیایی نیا

استاد، گروه انگلیسی دانشگاه اصفهان.

ouliaeinia.helen@gmail.com

سیما حاتمی

دکتری زبان و ادبیات انگلیسی و دکتری حقوق بین الملل عمومی ، پست داک دانشگاه تهران.

drsimahatami@gmail.com

چکیده

پیوند ادبیات با حقوق بشر با تأکید بر دیدگاه اومانستی و اهمیت انسان به ماهو انسان دارای ریشه عمیق است. رمان "پاپیون" (Papillon) اثر هانری شاریر، نه تنها یک داستان ماجراجویانه از فرارهای پی در پی است، بلکه سندی قدرتمند از نقض فاحش و نظام مند حقوق بشر در مستعمرات کیفری گویان فرانسه در اوایل قرن بیستم به شمار می‌رود. این مقاله با تحلیل دقیق تجربیات و مشاهدات شخصیت اصلی، پاپیون، به بررسی موارد متعدد نقض حقوق اساسی از جمله حق حیات، منع شکنجه و مجازات‌های ظالمانه، حق آزادی و امنیت شخصی، منع بردگی و کار اجباری، و حق برخورداری از دادرسی عادلانه می‌پردازد. رمان به وضوح شرایط غیرانسانی زندگی، سوءتغذیه، بیماری، خشونت بی‌امان و محرومیت‌های گسترده‌ای را به تصویر می‌کشد که کرامت ذاتی انسان‌ها را زیر پا می‌گذاشت. همزمان، این پژوهش بر مقاومت بی‌وقفه و اراده تسلیم‌ناپذیر پاپیون به عنوان شخصیت اصلی و نمادی از روح بشر برای حفظ کرامت انسانی و دستیابی به آزادی تأکید می‌کند و اقدامات او را به مثابه پاسخی ذاتی به سلب حقوق بنیادین تفسیر می‌نماید. در نهایت، با مقایسه این وقایع با استانداردهای حقوق بشر مدرن (مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر)، جستار تحلیلی حاضر به این نتیجه می‌رسد که پاپیون نه تنها یک حکایت تاریخی، بلکه یادآوری دائمی از ضرورت پاسداری از حقوق بشر و هشداری علیه سیستم‌هایی است که انسانیت را به بند می‌کشند و کرامت ذاتی انسان را به باد استهزا و سخره می‌گیرند. باشد که انسان به انسانیت بشر احترام گذارد و از سخی بودن نسبت به هم نوع بپرهیزد.

کلمات کلیدی

۱. مقدمه

رمان "پاپیون" (Papillon)، نوشته پرفروش و بحث‌برانگیز هانری شاریر^۱، نه تنها به خاطر ماجراجویی‌های هیجان‌انگیز و فرارهای بی‌نظیر شخصیت اصلی‌اش شهرت جهانی یافته، بلکه به دلیل تصویرسازی بی‌رحمانه و بی‌پرده از نظام مستعمرات کیفری فرانسه در اوایل قرن بیستم، جایگاه ویژه‌ای در ادبیات و مباحث اجتماعی دارد. این اثر، که شاریر ادعا می‌کند بر اساس تجربیات واقعی خود در گویان فرانسه نگاشته شده، خواننده را به اعماق جهنمی از بی‌عدالتی، ستم و مبارزه بی‌وقفه برای بقا و آزادی می‌کشاند. "پاپیون" فراتر از یک قصه صرفاً ماجراجویانه است؛ آن به شهادتی قدرتمند از سرکوب نظام‌مند روح انسانی و مقاومت بی‌بدیل در برابر شدیدترین اشکال نقض حقوق بنیادین تبدیل شده است. تلاش برای آزادی و بقای انسان در میان هم‌نوعانی که کرامت انسانی را فراموش کرده و رحم و مروت را از روی زندگانی خود پاک نموده‌اند. قوانین وضعی به دست بشر بدون رنگ و بوی حقوق طبیعی و قانون طبیعی به اطاعتی بی‌چون و چرا از قانونی ناعادلانه بدل گردید.^۲ (نقیبی، ۱۳۴۹: ۲۱)

در سطح گسترده‌تر، مفهوم حقوق بشر به مجموعه‌ای از حقوق ذاتی و جهان‌شمول اطلاق می‌شود که به هر فردی تنها به دلیل انسان بودن و انسان به ماهو انسان بودن تعلق می‌گیرد، بدون هیچ تمایز یا تبعیضی. این حقوق، که ریشه در کرامت ذاتی انسان دارند، شامل حق حیات، آزادی، امنیت شخصی، و رهایی از شکنجه و بردگی می‌شوند. اگرچه رمان "پاپیون" به دوره‌ای پیش از تدوین و پذیرش گسترده اسناد مدرن حقوق بشر مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) بازمی‌گردد، اما وقایع و تجربیات توصیف‌شده در آن به طور عمیقی با مفاهیم و اصول این حقوق گره خورده است. تجربیات تلخ پاپیون و هم‌بندانش در زندان‌ها و اردوگاه‌های کار اجباری گویان فرانسه، نمونه‌های زنده‌ای از نقض آشکار و هدفمند حقوق بشر بر همین اصول بنیادی در یک سیستم قضایی و تنبیهی فاقد نظارت و انسانیت هستند.

هدف اصلی این مقاله، بررسی و تحلیل عمیق موارد نقض حقوق بشر در رمان "پاپیون" است. ما این رمان را به عنوان یک مطالعه موردی برای درک ابعاد مختلف ظلم و ستمی که بر زندانیان سیستم مستعمراتی فرانسه اعمال می‌شد، به کار خواهیم گرفت. این

^۱ Henri Charriere he was a French writer, convicted of murder in 1931 by the French courts and pardoned in 1970. He wrote the 1969 novel Papillon, a memoir of his incarceration in and escape from a penal colony in French Guiana.

^۲ ... من پاپیون هستم که تو آنقدر به آسانی به حبس ابد محکوم کردی و به زندان مستعمرات فرستادی. تو خیال می‌کنی به زحمتش می‌ارزید طی آن همه سال‌ها برای اینکه مرد برجسته و تحصیل کرده‌ای بشوی، شباهت را روی قانون صرف کردی، زبان لاتین و یونانی یاد بگیری و سال‌های جوانیت را صرف آن کنی که ناطق زیر دستی از کار در آبی، می‌خواستی به چه چیزی دست یابی بیشعور؟ می‌خواستی قانونی جدید و اجتماعی وضع کنی یا به مردم بفهمانی که صلح و آرامش بهترین چیزها در دنیاست؟ یا اینکه فلسفه و مذهب کامل تری را تبلیغ کنی؟ یا خیلی ساده فقط می‌خواستی با تحصیلات دانشگاهی‌ات بر دیگران نفوذ کنی تا آنها بهتر و خوبتر شوند و از بدی بپرهیزند. بگو از علم و دانش برای نجات مردم سود جستی یا برای غرقه کردنشان؟ (نقیبی، ۱۳۴۹) صص ۱۷-۲۲، پرهیز ترجمه پاپیون هنری پاریس، انتشارات امیر کبیر، چاپ پنجم.

تحلیل نه تنها به توصیف شرایط غیرانسانی می‌پردازد، بلکه نشان خواهد داد که چگونه مبارزه بی‌وقفه پاپیون برای آزادی و بقا، در واقع نمادی از مقاومت انسانی در برابر سلب کرامت و حقوق بنیادی است. جد و جهدی بدون ناامیدی که البته در فضایی پر از خفقان و نومیدی، نشان از آرزوی دیرینه بشر در کسب آزادی است. با بررسی دقیق چگونگی نقض حق حیات، آزادی، امنیت، دادرسی عادلانه و کرامت انسانی، این مقاله به تبیین وجوه انسانی و اخلاقی داستان خواهد پرداخت. در نهایت، با مقایسه این وقایع با استانداردهای حقوق بشر امروزی، به این پرسش خواهیم پرداخت که چه درس‌هایی می‌توانیم از "پاپیون" برای محافظت از حقوق بشر در زمان حال بیاموزیم و چگونه داستان‌های شخصی در ادبیات مدرن می‌توانند به یادآوری دائمی از اهمیت آزادی و عدالت تبدیل شوند. ادبیات روایت واقعیت است همانطور که جانسون ادعا میکند داستان‌ها روایت هرچه واقعی‌تر واقعیت اند که بدون تردید واقعیت را بهتر و بیشتر، حقیقی نشان می‌دهند. (اولیایی نیا، ۱۳۷۹) نگرش بدبینانه جهان جایگزین نگاه خوش بینانه عصر ویکتوریا در مدرنیسم شد. آنان چشم اندازی را تصویر می‌کردند که تیره و ویران بود و امیدی برای بهبود در پیش روی آن نیست. (اولیایی نیا، ۱۳۸۹) و اولیایی نیا، مازیار، ۳۶: ۱۳۸۴-۵۰

۲. پس‌زمینه تاریخی و حقوقی: سیستم مستعمرات کیفری فرانسه و حقوق بشر

برای درک عمق فاجعه‌ای که در رمان "پاپیون" روایت می‌شود، ضروری است که با بستر تاریخی و وضعیت حقوقی حاکم بر مستعمرات کیفری فرانسه در اوایل قرن بیستم آشنا شویم. این شناخت، زمینه‌ای محکم برای تحلیل نقض حقوق بشر در داستان فراهم می‌آورد.

۲.۱. ماهیت و اهداف مستعمرات کیفری فرانسه

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، فرانسه از سیاست تبعید و مجازات در مستعمرات دوردست به عنوان راهکاری برای "پاکسازی" جامعه از مجرمان و معارضان استفاده می‌کرد. سیستم کیفری با تاکید بر طرد نمودن مجرمان به بازپروری آنها و بازگشت مجرم به جامعه توجهی نداشت. نظام تحقیقی حقوق و حمایت از مجرم برای بازگشت به جامعه معنایی عیث بود. (liauzu, 2007, vol 2, p.622) گویان فرانسه، با آب و هوای استوایی، جنگل‌های انبوه، باتلاق‌ها و بیماری‌های بومی فراوان، به مکانی ایده‌آل برای این منظور تبدیل شد. هدف نه تنها تنبیه و رهایی از شر مجرمان بود، بلکه استفاده از نیروی کار ارزان و اجباری آن‌ها برای توسعه زیرساخت‌های استعماری، از جمله جاده‌سازی، کشاورزی و استخراج معادن، نیز مطرح بود. مکان‌هایی مانند کاین (Cayenne) به عنوان مرکز اداری و به ویژه "جزیره شیطان" (Devil's Island) که نماد انزوای مطلق و جهنمی بر روی زمین بود، شهرت جهانی یافتند. شرایط زندگی در این مستعمرات برای زندانیان، مصداق بارز مجازات‌های بی‌رحمانه و غیرانسانی بود؛ از بیماری‌های گرمسیری (مالاریا، دیسانتری)، سوءتغذیه شدید، کار طاقت‌فرسا، تا خشونت بی‌امان نگهبانان و حتی سایر زندانیان که برای بقا به خشونت روی می‌آوردند. (نقیبی، ۱۳۴۹: ۳۱-۳۳) نرخ مرگ و میر در این مکان‌ها به طرز هولناکی بالا بود و بسیاری از تبعیدشدگان هرگز به وطن بازنگشتند، که خود به هدف "خلاص شدن" از آن‌ها کمک می‌کرد. فرانسه از قرن‌ها با رویکردهای مختلف درباره زندانیان، به مهد ظلم مجرمان بدل گشته بود. از حقایق ویکتور هوگو درباره تاتوی زندانیان و گرد اوری آنها در زندان و نشان دادن نمادهای روی بدن آنها همگی حاکی از نظام طرد مجرمان در سیستم کیفر فرانسه بوده است. (نجابتی، ۱۳۹۱) مهد فرانسه به عنوان دموکراسی بی شک با فجایع و رخدادها در عالم واقع متناقض است. ادوارد سعید به خوبی تناقض‌ها را به تصویر می‌کشد «بسیاری

از انسان دوستان حرفه ای در نهایت نمی توانند میان اعمال شرارت آمیزی چون بردگی ، استعمار، ستمگری های نژادی و سلطه های امپراتوری از یک سو و شعر ، داستان و فلسفه آن اجتماعاتی که دست به چنین اقدام هایی می زند ارتباطی یابند. «(ادوارد سعید (۱۳۸۲): ۱۸)

۲.۲. وضعیت حقوق بشر در اوایل قرن بیستم

در اوایل قرن بیستم، مفهوم حقوق بشر به معنای امروزی، یعنی به عنوان مجموعه‌ای از حقوق جهانی و ذاتی که توسط قواعد و مقررات بین‌المللی تضمین می‌شوند و دولت‌ها موظف به رعایت آن هستند، هنوز به طور کامل شکل نگرفته بود. اگرچه ایده‌هایی در مورد عدالت، آزادی و کرامت انسانی در فلسفه و برخی قوانین ملی وجود داشت، اما هیچ سند جامع و الزام‌آور بین‌المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) وجود نداشت که حقوق افراد را در برابر دولت‌ها تضمین کند و مکانیسم‌های نظارتی بین‌المللی نیز بسیار ضعیف یا ناموجود^۳ بودند. قدرت‌های استعماری اغلب خود را فراتر از هرگونه بازخواست یا نظارت بین‌المللی می‌دیدند و رفتارهایشان با زندانیان، به‌ویژه در مستعمرات، کمتر مورد بازخواست قرار می‌گرفت. دیدگاه‌های غالب در آن دوران، که اغلب با نژادپرستی و نگاه پدرسالارانه همراه بود، توجیهاتی را برای استثمار و برخورد غیرانسانی با جمعیت‌های "متمدن نشده" یا "مجرم"^۴ فراهم می‌آورد. این بستر تاریخی، فضایی را ایجاد کرده بود که در آن، نقض حقوق بشر به راحتی صورت می‌گرفت و مجازات‌ها اغلب هدفشان ریشه‌کن کردن روحیه فردی بود، نه اصلاح و بازپروری. این نگاه، زندانیان را نه به عنوان انسان‌های دارای حقوق، بلکه به عنوان عناصری زائد و خطرناک می‌دید که باید حذف^۵ یا به حاشیه رانده^۶ می‌شدند. (Perdomo, 2007 et al.)

۲.۳. حقوق زندانیان در تئوری و عمل

در سیستم مستعمرات کیفری فرانسه، مفهوم "حقوق زندانیان" تقریباً بی‌معنا^۷ بود. در تئوری، ممکن بود قوانینی برای اداره زندان‌ها و رفتار با زندانیان وجود داشته باشد، اما در عمل، این قوانین به ندرت رعایت می‌شدند و زندانیان تقریباً فاقد هرگونه حق قانونی یا مکانیزم مؤثر برای احقاق حق خود بودند. از جمله بارزترین نقض‌ها می‌توان به فقدان دادرسی عادلانه اشاره کرد، جایی که افراد اغلب بدون شواهد کافی یا با محاکماتی ناعادلانه محکوم می‌شدند. زندانیان از حق داشتن وکیل مناسب یا امکان تجدید نظر مؤثر محروم بودند. همچنین، اجبار به کار بدون مزد و در شرایط غیرانسانی (بردگی عملی^۸)، محرومیت از مراقبت‌های بهداشتی و غذای کافی، و عدم امکان تماس با خانواده یا وکیل، نمونه‌هایی از نقض حقوق بنیادین آن‌ها بود. فراتر از این، بسیاری از زندانیان پس از پایان دوران محکومیت خود نیز حق بازگشت به فرانسه را نداشتند و مجبور بودند بقیه عمر خود را در گویان سپری کنند، که به معنای "تبعید مضاعف" و نقض آشکار حق آزادی تردد بود. رمان "پاپیون" به روشنی نشان می‌دهد که در این سیستم، زندانیان نه

³ nonexistent

⁴ Uncivilized

⁵ Criminal

⁶ deleted

⁷ Alienated

⁸ senseless

⁹ Practical servitude

به عنوان انسان‌های دارای کرامت ذاتی، بلکه صرفاً به عنوان ابزاری برای کار یا باری بر دوش جامعه دیده می‌شدند که باید از بین می‌رفتند یا به حاشیه رانده می‌شدند، و هیچ نهاد یا سازمانی برای دفاع از حقوق آن‌ها وجود نداشت.

گرچه اعلامیه حقوق شهروندی در فرانسه و مفاهیم مندرج در اعلامیه مزبور برگرفته از اصول فلسفی و سیاسی عصر روشنگری، چون فردگرایی، قرارداد اجتماعی و تفکیک قوا بود. توماس جفرسون (Thomas Jefferson) نویسنده اولیه اعلامیه استقلال آمریکا در سال (۱۷۷۶) میلادی در آن زمان در فرانسه به عنوان دیپلمات حضور داشت و با اعضای مجلس موسسان در خصوص اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه مکاتبه می‌کرد. تا جایی که بسیاری از موارد مندرج در اعلامیه فرانسه ملهم از اعلامیه استقلال آمریکا است. اعلامیه، حقوق فردی و جمعی برای تمام انسانها در نظر می‌گیرد. تحت تاثیر دکتترین حقوق طبیعی این حقوق جهانی و در تمام زمانها و مکانها معتبر است. انسان آزاد متولد می‌شود و در طول زندگی و حیات و ممات خود، آزاد و از حقوق برابر برخوردار است اعلامیه مانند اعلامیه حقوق آمریکا بر اساس تئوری حقوق طبیعی مالکیت، آزادی و حیات است. مطابق با این تئوری نقش دولت محدود به شناخت و تضمین این حقوق است. همچنین دولت باید توسط نمایندگان منتخب مردم اداره شود. در زمان نوشتن حقوق مندرج در اعلامیه فرانسه یک بیانیه رؤیایی به جای بیانیه‌ای واقعی بود. اعلامیه به طور عمیق ریشه در اعمال غرب یا حتی فرانسه آن زمان نداشت بلکه تصویری آرمانی بود که از فرد در برابر پادشاهان در قالب حقوق حمایت می‌نمود. از طرفی اعلامیه با مخالفت مخالفان دموکراسی و حقوق فردی، که به عنوان طرفداران آنارشی و خرابکاری شناخته می‌شدند روبرو بود. اما ریشه همین اعلامیه ها نیز در سیستم کیفر فرانسه تاثیری نداشت و ظلم و ستم بر آن بیداد می‌کرد. (برونوفسکی، مازلیش)

۳. نقض حقوق بشر در مستعمرات کیفری: بررسی موردی از پاپیون

گرچه هدف استعمار فرانسه برای سامان دهی و تدوین نظام حقوقی در کشورهای مستعمره، حفاظت از اتباع فرانسوی در این قبیل کشورها بود (آشوری، ۱۳۸۸:۵۵) فرانسه در مستعمرات خود به دنبال نیروی فرانسوی بود تا اقتدار فرانسه را در آنجا بر پا دارد. عموماً نیروهای کار ارزان همان زندانیانی بودند که بعد از گذشت حبس و ندامت به عنوان ساکنان مستعمرات تعیین می‌شدند که علاوه بر طرد مجرمان، از جمعیت آنها که فرانسوی بودند برای گسترش و سلطه بر قلمروهای استعمار هم بی بهره نباشند. این بخش به تفصیل، با مثال‌های مشخص از رمان، نشان می‌دهد که چگونه حقوق بشر در مستعمرات کیفری نقض می‌شد. تمرکز بر روی تجربه‌های پاپیون و دیگر زندانیان است.

۳.۱. حق حیات و منع شکنجه و مجازات‌های ظالمانه و غیرانسانی

حق حیات بنیادی‌ترین حق بشر است، اما در مستعمرات کیفری گویان فرانسه، این حق به طور سیستماتیک نادیده گرفته می‌شد. رمان پاپیون به وضوح نشان می‌دهد که چگونه شرایط زندگی، فقدان بهداشت و درمان، و خشونت بی‌امان، منجر به مرگ و میر گسترده می‌شد و زندگی زندانیان ارزشی نداشت. شکنجه‌های فیزیکی و روانی نیز ابزارهایی رایج برای درهم شکستن اراده زندانیان و سلب کرامت آن‌ها بودند.

- شرایط غیرانسانی زندگی و سوء تغذیه: زندانیان به صورت عمدی در شرایطی قرار می‌گرفتند که بقا تقریباً غیرممکن بود. تغذیه ناکافی و بی‌کیفیت یکی از ابزارهای اصلی شکنجه و تضعیف آن‌ها بود. بدن‌های تحلیل‌رفته و بیمار در رمان به کرات توصیف می‌شوند که نتیجه جیره‌های غذایی بسیار کم و اغلب فاسد بود. این شرایط فیزیکی، توانایی آن‌ها را برای مقاومت یا حتی فکر کردن به فرار از بین می‌برد. (نقیبی، ۱۳۴۹: ۶۲) این موارد نقض آشکار ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر (حق برخورداری از سطح زندگی کافی برای سلامتی و رفاه) و ماده ۳ (حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی) آن است.
- محرومیت از بهداشت و درمان: فقدان امکانات پزشکی ابتدایی، کمبود دارو، و عدم رسیدگی به بیماری‌های شایع گرمسیری مانند مالاریا، دیسانتري و سل، به مرگ‌های بی‌شماری می‌انجامید. زندان‌ها محیط‌هایی فاقد هرگونه استاندارد بهداشتی بودند که به شیوع سریع بیماری‌ها دامن می‌زد. مراقبت‌های پزشکی تنها در موارد بسیار وخیم و اغلب بی‌اثر ارائه می‌شد. (نقیبی، ۱۳۴۹: ۶۳) این وضعیت نقض حق سلامتی و ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر (منع مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز) است.
- سلول‌های انفرادی (Dub-Out) به عنوان شکنجه روانی و فیزیکی: حبس انفرادی طولانی‌مدت در سلول‌های تاریک، نمناک و کوچک، نه تنها شکنجه‌ای فیزیکی بود، بلکه هدف اصلی آن درهم شکستن اراده و سلامت روانی زندانیان بود. پاپیون خود تجربیات سختی از این نوع حبس را به اشتراک می‌گذارد، جایی که گذر زمان مبهم می‌شود و مرز بین واقعیت و وهم از بین می‌رود. (نقیبی، ۱۳۴۹: ۲۲۶) این شیوه مجازات نمونه بارزی از شکنجه روانی و مجازات‌های بی‌رحمانه و غیرانسانی است که مستقیماً مغایر با ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون منع شکنجه است.

۳.۲. حق آزادی و امنیت شخصی و منع بردگی و کار اجباری

هدف اصلی مستعمرات کفتری، سلب کامل آزادی و استفاده از نیروی کار زندانیان به عنوان برده بود. پاپیون بارها این محدودیت‌های وحشتناک را تجربه می‌کند و زندگی او نمادی از مبارزه برای این حقوق سلب شده است.

- حبس خودسرانه و بدون محاکمه عادلانه: بسیاری از زندانیان، از جمله خود پاپیون، احساس می‌کردند که به ناحق محکوم شده‌اند یا فرصت دفاع واقعی از خود را نداشته‌اند. سیستم قضایی فرانسه، به جای تضمین عدالت، به دنبال حذف افراد از جامعه و تحویل آن‌ها به اردوگاه‌های مرگ بود. (نقیبی، ۱۳۴۹: ۲۸۵) این امر نقض مستقیم ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر (منع بازداشت، توقیف یا تبعید خودسرانه) و ماده ۱۰ (حق محاکمه عادلانه و علنی) آن است.
- کار اجباری (Travaux Forcés) و وضعیت بردگی: زندانیان مجبور به انجام کارهای طاقت‌فرسا در شرایط بسیار دشوار بودند، بدون هیچ مزد یا امکان انتخابی. (نقیبی، ۱۳۴۹: ۵۲۸) این کار، با هدف مجازات، بهره‌کشی اقتصادی و درهم شکستن جسم و روح، عملاً آن‌ها را به بردگانی دولتی تبدیل کرده بود. (نقیبی، ۱۳۴۹: ۴۱۸) این وضعیت نقض آشکار ماده ۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر (منع بردگی و بندگی اجباری) و ماده ۲۳ (حق کار با شرایط منصفانه و مطلوب) آن است.

- تبعید مضاعف (Doublage): یکی از بی‌رحمانه‌ترین قوانین مستعمرات کیفری این بود که پس از پایان محکومیت، زندانیان مجبور بودند به مدت برابر با محکومیت خود (و در برخی موارد برای همیشه) در گویان فرانسه بمانند. این امر، که به "دوچندان کردن" محکومیت تعبیر می‌شد، حق بازگشت به وطن و آزادی تردد را به کلی از آن‌ها سلب می‌کرد. این نقض صریح ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر است.

۳.۳. حق برخورداری از دادرسی عادلانه و اصل براءت

سیستم قضایی در مستعمرات کیفری، به جای تضمین عدالت، ابزاری برای تأیید تصمیمات از پیش گرفته شده و سرکوب بود. حقوق بنیادین متهمان به طور کامل نادیده گرفته می‌شد.

- فساد و بی‌عدالتی در سیستم قضایی: رمان نشان می‌دهد که دادگاه‌ها اغلب نمایشی بودند و شواهد و دفاعیات زندانیان نادیده گرفته می‌شد. تصمیمات بر اساس تعصب، منافع شخصی یا نیاز سیستم به "پر کردن" مستعمرات گرفته می‌شد، نه بر اساس حقیقت و قانون. (نقیبی، ۱۳۴۹: ۱۷-۲۸) این نمونه بارز نقض ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر است.
- عدم دسترسی به وکیل و امکان تجدید نظر: زندانیان از حق داشتن وکیل مستقل و کارآمد محروم بودند. وکلای تعیین شده اغلب بی‌تفاوت یا همدست سیستم بودند. امکان تجدید نظر و اعتراض به احکام ناعادلانه نیز تقریباً وجود نداشت. (نقیبی، ۱۳۴۹: ۲۷) این موارد نیز نقض ماده ۱۰ و ماده ۱۱ (اصل براءت) اعلامیه جهانی حقوق بشر محسوب می‌شوند.

۳.۴. حقوق مربوط به کرامت انسانی و منع تبعیض

هدف نهایی سیستم زندان، سلب کرامت انسانی^{۱۰} و تبدیل زندانیان به موجوداتی مطیع و بی‌اراده بود. زندانیان از هویت و فردیت خود محروم می‌شدند.

- سلب هویت و انسانیت: زندانیان اغلب به جای نام، با شماره شناخته می‌شدند. لباس‌های یکسان، سر تراشیده، و برخورد تحقیرآمیز و غیرانسانی، همه با هدف از بین بردن حس فردیت، انسانیت و عزت نفس آن‌ها بود. (نقیبی، ۱۳۴۹: ۲۱) این موارد نقض ماده ۱ و ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر است.
- تحقیر و توهین مستمر: نگهبانان و مسئولان زندان به طور مداوم با زندانیان با بی‌احترامی، توهین، خشونت کلامی و رفتارهای بی‌رحمانه رفتار می‌کردند تا آن‌ها را در وضعیت پایین‌دستی نگه دارند. (نقیبی، ۱۳۴۹: ۳۲) این رفتارها مستقیماً با ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر در تضاد است.

۴. مبارزه برای حقوق بشر و مقاومت در پایپون

¹⁰ Human dignity

با وجود شرایط جهنمی و نقض گسترده حقوق بشر در مستعمرات کیفری، روح انسانی تسلیم نمی‌شود. رمان پایپون به روشنی نشان می‌دهد که چگونه شخصیت اصلی و برخی دیگر از زندانیان، با هر وسیله‌ای که در توان دارند، برای بازپس‌گیری حقوق سلب‌شده خود و حفظ کرامت انسانی‌شان می‌جنگند. این مبارزه، نه تنها یک تلاش فیزیکی برای بقا، بلکه نبردی عمیق‌تر برای حفظ هویت و اراده است. (نقیبی، ۱۳۴۹:۵۲۱)

۴.۱. فرار به عنوان نماد مبارزه برای آزادی

در پایپون، فرار بیش از یک عمل فیزیکی است؛ آن تبدیل به نمادی قدرتمند از مقاومت در برابر سرکوب و تجلی ذاتی‌ترین حق انسان، یعنی حق آزادی، می‌شود. پایپون در طول رمان بارها و بارها تلاش می‌کند تا از زندان‌های به‌ظاهر غیرقابل نفوذ بگریزد، و هر یک از این تلاش‌ها، حتی آن‌هایی که به شکست می‌انجامند، بر عزم راسخ او برای بازپس‌گیری حق بنیادی‌اش تأکید می‌کنند.

- تفسیر فلسفی فرار به مثابه کنشی حقوق بشری: از منظر حقوق بشر، حبس ناعادلانه و سیستماتیک، خود نقض حقوق است. بنابراین، هرگونه تلاش برای رهایی از چنین وضعیتی، یک کنش اخلاقی و حقوقی برای احقاق حق به شمار می‌رود. پایپون به جای پذیرش سرنوشت تحمیل شده، با تمام وجود برای بازگرداندن آزادی خود می‌جنگد. (نقیبی، ۱۳۴۹:۵۰۴) این مبارزه برای آزادی، به طور مستقیم با ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۹ آن مرتبط است.
- نماد شجاعت، امید و پشتکار: هر فرار پایپون نه تنها تلاشی برای آزادی فیزیکی، بلکه نمادی از روح تسلیم‌ناپذیر او و امید بی‌بدیلش به آینده است. در محیطی که امید بزرگترین دشمن سیستم بود، پایپون با هر تلاشی برای فرار، بذر امید را در دل خود و دیگران می‌کاشت. (نقیبی، ۱۳۴۹:۵۰۶)

۴.۲. حفظ کرامت انسانی و همبستگی در شرایط غیرانسانی

در محیطی که سیستم تلاش می‌کرد تا انسانیت و کرامت افراد را از بین ببرد، بسیاری از زندانیان، از جمله پایپون، با روش‌های مختلف در برابر این تلاش‌ها مقاومت می‌کردند. این مقاومت گاه در قالب اعمال همبستگی و گاه در حفظ هویت فردی تجلی می‌یافت.

- همبستگی میان زندانیان: با وجود محیط خشنوت‌بار و بی‌اعتمادی حاکم، پایپون نمونه‌هایی از همبستگی و کمک متقابل میان زندانیان را به تصویر می‌کشد. این اعمال انسانی، هرچند کوچک، در برابر تلاش سیستم برای از بین بردن ارتباطات انسانی، بسیار مهم بودند. این همبستگی‌ها، در غیاب حقوق شناخته شده، به نوعی حقوق طبیعی

برای حمایت متقابل و بقا را به نمایش می‌گذارد که با روح اعلامیه جهانی حقوق بشر (به ویژه ماده ۱) همخوانی دارد. (نقیبی، ۱۳۴۹: ۵۰۶) ^{۱۱}

- حفظ هویت و اراده: سیستم مستعمرات کیفری تلاش می‌کرد تا با سلب نام، لباس‌های یکسان، و تحقیرهای دائمی، هویت فردی زندانیان را از بین ببرد. اما پاپیون با حفظ نام، یادآوری خاطرات، و تمرینات ذهنی، سعی در حفظ سلامت عقل و هویت خود داشت. این تلاش برای حفظ هویت، تجلی حق به "شخصیت حقوقی" (ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر) و حق به کرامت انسانی است.

۴.۳. انتقاد از سیستم

رمان پاپیون، چه از طریق روایت مستقیم پاپیون و چه از طریق دیالوگ‌ها و مشاهدات او، به طور مداوم سیستم کیفری فرانسه را به چالش می‌کشد و بی‌رحمی و بی‌عدالتی آن را افشا می‌کند.

- نقد صریح قوانین و عملکردها: پاپیون نه تنها رنج می‌برد، بلکه هوشمندانه به تحلیل سیستم می‌پردازد و ضعف‌ها، فساد، و ناعادلانه بودن آن را بیان می‌کند. (نقیبی، ۱۳۴۹: ۵۲۴)
- تصویرسازی از فساد و سوءاستفاده از قدرت: رمان پر از مثال‌هایی از فساد نگهبانان، سوءاستفاده از قدرت، و تبانی میان مسئولین و زندانیان قدرتمند است. این فساد، به خودی خود، نشان‌دهنده فقدان حاکمیت قانون و نقض حقوق بنیادین است.

۵. پاپیون در پرتو حقوق بشر امروز

رمان پاپیون نه تنها سندی تاریخی از بی‌رحمی یک سیستم کیفری گذشته است، بلکه آینه‌ای است که نقض حقوق بشر را از منظر تجربه‌ی زیسته یک فرد به تصویر می‌کشد. با گذشت زمان و تدوین اسناد بین‌المللی حقوق بشر، بسیاری از رفتارهای توصیف شده در رمان اکنون به صراحت ممنوع و محکوم شده‌اند. این بخش به مقایسه وضعیت گذشته با استانداردهای فعلی حقوق بشر می‌پردازد و درس‌هایی را که می‌توان از پاپیون برای محافظت از حقوق بشر در زمان حال آموخت، برجسته می‌کند.

همه انتقاداتی که به اثر هانری شاریر وارد شد، همه ابهامات در جزئیات، شاید بخشی بر تندیس واقعیت باشد، اما فقط یک بخش است. هیچ کس نمی‌تواند فرار بزرگ او را برای آزادی کتمان کند. آلبِر کامو در یک سخنرانی گفته بود ترسوها تمایل به بردگی را جزئی از فضیلت می‌دانند. گفته بود: «فهم و درک در جست وجوی یافتن توجیهی است برای ترس و بدون هیچ زحمتی آن را می‌یابد، چرا که بزدلی همیشه فلسفه‌ای دارد.» (شجاعی، ۱۴۰۱)

^{۱۱} "تنها من هستم که یک چشم کاملاً سالم و باز است. همه دوستانم چشمانی پر از چرک دارند که بر اثر چرک چشمهایشان دائماً بسته است. برای اینکه ببینیم باید چشم‌ها را گاه‌گاه شست اگرچه این کار باعث درد و ناراحتی شدید می‌شود. آفتاب شدیدی روی سوختگی‌هایم می‌تابد که واقعا غیر قابل مقاومت است. دیلانک که نیمه دیوانه شده است از به آب انداختن خودش حرف می‌زند...." همان. ص ۵۰۶.

۵.۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر (UDHR) و سایر اسناد مرتبط

اعلامیه جهانی حقوق بشر (UDHR)، که در سال ۱۹۴۸ توسط سازمان ملل متحد به تصویب رسید، مبنای بسیاری از قوانین و معاهدات حقوق بشری مدرن را تشکیل می‌دهد. مقایسه مفاد این اعلامیه با وقایع پاپیون، عمق نقض حقوق در مستعمرات کیفری فرانسه را آشکار می‌سازد.

• نقض مواد کلیدی اعلامیه جهانی حقوق بشر:

- ماده ۳ (حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی): زندگی زندانیان در گویان دائماً در معرض تهدید بود؛ از بیماری‌ها و سوء تغذیه گرفته تا خشونت بی‌امان. آزادی و امنیت شخصی آن‌ها نیز به طور کامل سلب شده بود.
- ماده ۵ (منع شکنجه و مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز): سلول‌های انفرادی، گرسنگی دادن، کار اجباری، ضرب و شتم و تحقیرهای مستمر، همگی مصداق بارز شکنجه‌های فیزیکی و روانی بودند.
- ماده ۹ (منع بازداشت، توقیف یا تبعید خودسرانه): پاپیون به اتهام قتلی که مدعی بی‌گناهی خود بود، دستگیر و بدون محاکمه عادلانه به گویان تبعید شد.
- ماده ۱۰ (حق محاکمه عادلانه و علنی): سیستم قضایی توصیف شده در رمان فاقد هرگونه شفافیت، استقلال یا بی‌طرفی بود.
- ماده ۱۱ (اصل برائت): در سیستم مستعمرات کیفری، فرض بر گناهکار بودن فرد بود. اما کسی پژواک صدای شاریر یا همان پاپیون را برای بی‌گناهی اش نشنید.
- ماده ۱۳ (حق آزادی تردد و انتخاب محل اقامت و حق ترک هر کشور و بازگشت به کشور خود): قانون "دوبلاج" (تبعید مضاعف) این حق را نقض می‌کرد.
- ماده ۲۵ (حق سطح زندگی کافی برای سلامتی و رفاه): فقدان غذای کافی، بهداشت مناسب و مراقبت‌های درمانی، این حق را نقض می‌کرد.

- سایر اسناد مرتبط: با اشاره به کنوانسیون منع شکنجه و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نحوه تطابق آن‌ها با رمان می‌توان به اهمیت کرامت انسانی در نحوه برخورد با مجرمان پی برد. انسان ولایت بر انسان دیگر ندارد. این قرارداد اجتماعی است اما نباید کرامت وی را زیر پا گذاشت.

۵.۲. تغییرات در حقوق زندانیان از آن زمان تا کنون

از زمان روایت پاپیون تا کنون، تحولات چشمگیری در قوانین و استانداردهای مربوط به حقوق زندانیان رخ داده است. این تغییرات حاصل تلاش‌های سازمان‌های بین‌المللی، فعالان حقوق بشر و دولت‌ها برای اصلاح سیستم‌های کیفری بوده‌اند.

- توسعه استانداردهای بین‌المللی: امروزه، اسنادی مانند قوانین حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای رفتار با زندانیان (معروف به قوانین ماندلا)، چارچوبی جامع برای تضمین حقوق و کرامت زندانیان ارائه می‌دهند. باید ادعان داشت که قوانین ماندلا (یا قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای رفتار با زندانیان) یک مجموعه از قواعد و ضوابط است که برای

رفتار انسانی با زندانیان در سراسر جهان تدوین شده است. این قوانین توسط سازمان ملل متحد، با الهام از تجربیات نلسون ماندلا و سایر فعالان حقوق بشر، تنظیم شده‌اند و به عنوان یک راهنما برای نظام‌های زندان در سراسر جهان عمل می‌کنند. (سبحانی، ۱۴۰۳)

- نقش سازمان‌های حقوق بشری: سازمان‌هایی مانند عفو بین‌الملل (Amnesty International) و دیده‌بان حقوق بشر (Human Rights Watch) نقش حیاتی در نظارت بر وضعیت زندان‌ها در سراسر جهان، افشای نقض حقوق بشر و هواداری^{۱۲} برای اصلاحات قضایی ایفا می‌کنند. نلسون ماندلا می‌گوید: «تا وقتی وارد زندان‌های یک کشور نشده باشید آن کشور را نخواهید شناخت، یک کشور را نه با رفتارش با عالی‌ترین مقام شهروندان که با زندانیان باید قضاوت کرد.» (سبحانی، ۱۴۰۳)

۵.۳. درس‌های ماندگار پاپیون برای حقوق بشر امروز

پاپیون فراتر از یک روایت تاریخی صرف است؛ روایت واقعی از یک یادآوری قدرتمند و هشدار دائمی است که پیامدهای وحشتناک نقض حقوق بشر را به تصویر می‌کشد و درس‌های مهمی برای دنیای امروز دارد:

- لزوم هوشیاری دائمی در برابر قدرت خودسرانه: (اهمیت تفکیک قوا و محدودیت قدرت دولت). باید گفت اهم نقض حقوق بشر اقدامات خودسرانه است باید با تحدید و محدودیت بر آن، کنترل و نظارت گردد.
- اهمیت شفافیت و نظارت بر سیستم‌های قضایی و کیفری: (نیاز به دسترسی ناظران مستقل به زندان‌ها). این امر می‌تواند به کیفیت استاندارد سیستم قضا بیانجامد.
- نقش داستان‌های شخصی در افزایش آگاهی و همدلی: (چگونه روایت‌های فردی می‌توانند برای تغییر الهام‌بخش باشند). به نظر می‌رسد تاثیر ادبیات شگرف است. ادبیات داستانی در طی قرن‌ها توانسته است وقایع و حقایق را حتی از تاریخ و روایت‌های آن بیشتر و ثمربخش‌تر به نمایش گذارد. آوازه مایپون، هنری شاریر را به عنوان انسان در بند، به آزاده‌ای در تمام هستی بدل کرد که تا به امروز هم آوازه آزادی و آزادی خواهی وی نسل به نسل به گوش می‌رسد.
- اهمیت اصلاحات زندان و تأکید بر بازپروری به جای صرفاً تنبیه: (نیاز به سیستم‌های کیفری مدرن با هدف اصلاح و بازگشت به جامعه). امروزه اهمیت بازگشت مجرم به جامعه و بازپروری وی دارای اهمیت است. ایجاد پرونده شخصیت برای مجرمان و اقدامات تأمینی تربیتی می‌تواند به بهبود مستمر امور زندانیان منجر شود.
- ارزش ابدی آزادی و کرامت انسانی: (پیام جهانی رمان درباره حقوق ذاتی و غیرقابل سلب به گوش رسید). ارزش انسان به انسان بودن وی، ناشی از کرامت ذاتی اوست. این کرامت و اصل بنیادین کرامت انسانی است که حقوق متعلقه به طبیعت وی را جاری و ساری ساخته و حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین وی را جلوه گر می‌سازد که رعایت و تحقق آیین حقوق را به دولت مشروع و قانونی منسب می‌داند. باشد که حقوق بشر و رعایت آن بتواند مشروعیت هرچه بیشتر دولت‌ها را در می‌داشته باشد و خودسارانگی و اعمال خودسرانه را کاهش دهد.

¹² advocacy

۶. نتیجه‌گیری

رمان "پاپیون" (Papillon) اثر هانری شاریر، در قالب یک زندگی‌نامه^{۱۳} بیش از یک داستان ماجراجویانه هیجان‌انگیز است؛ آن سندی تکان‌دهنده از نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر در مستعمرات کیفری فرانسه در اوایل قرن بیستم به شمار می‌رود. همانطور که در این مقاله بررسی شد، تجربیات پاپیون و هم‌بندانش در گویان فرانسه، تصویر روشنی از سلب کرامت انسانی، شکنجه‌های بی‌رحمانه، کار اجباری و محرومیت مطلق از هرگونه دادرسی عادلانه را ارائه می‌دهد. از حق حیات و امنیت شخصی گرفته تا حق آزادی و کرامت ذاتی، تمامی اصول بنیادی که امروزه در اسنادی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده‌اند، در این سیستم به طور فاحشی نادیده گرفته می‌شدند.

با این حال، "پاپیون" تنها روایتگر ظلم نیست؛ بلکه داستان مقاومت بی‌وقفه روح انسان است. مبارزه بی‌امان پاپیون برای آزادی، تلاش او برای حفظ هویت و سلامت روانی در سلول‌های انفرادی، و همبستگی‌هایی که میان زندانیان شکل می‌گیرد، همگی نمادی از اراده تسلیم‌ناپذیر انسان در برابر ستم هستند. فرارهای مکرر او، هرچند با سختی‌ها و شکست‌های فراوان همراه بودند، اما هر یک فریادی علیه بی‌عدالتی و تأکید بر حق بنیادی آزادی بودند. این بخش از رمان به ما یادآوری می‌کند که حتی در تاریک‌ترین و ناامیدکننده‌ترین شرایط نیز، امید و اراده برای بقا و حفظ کرامت انسانی می‌تواند شعله‌ور بماند.

در پرتو حقوق بشر امروز، پاپیون اهمیتی دوچندان می‌یابد. این رمان نه تنها به عنوان یک سند تاریخی از گذشته‌ای تاریک عمل می‌کند، بلکه به عنوان یک هشدار دائمی برای حال و آینده نیز کارکرد دارد. درس‌های پاپیون به ما می‌آموزد که قدرت نامحدود و غیرپاسخگو چگونه می‌تواند به ابزاری برای سرکوب تبدیل شود و تا چه اندازه شفافیت، نظارت مستقل و حاکمیت قانون برای جلوگیری از نقض حقوق بشر ضروری هستند. این داستان، یادآوری می‌کند که حقوق بشر ذاتی و غیرقابل سلب هستند و نباید هرگز آن‌ها را مسلم فرض کرد.

در پایان، پاپیون فراتر از یک داستان ماجراجویانه، یک اثر ادبی عمیقاً انسانی است که بر ارزش بی‌بهای آزادی، کرامت و حقوق بنیادی بشر تأکید می‌کند. این رمان ما را به تأمل وامی‌دارد که چگونه می‌توانیم در دنیای امروز، از تکرار چنین فجایعی جلوگیری کنیم و همواره از حقوق و کرامت تمام انسان‌ها پاسداری کنیم.

منابع

۱. آشوری، محمد (۱۳۸۸) آیین دادرسی کیفری، تهران، سمت.
۲. ادوراد سعید (۱۳۸۲) فرهنگ و امپریالیسم، ترجمه اکبر افسری، تهران، توس.
۳. اولیایی نیا، مازیار (۱۳۸۴) فلسفه مدرنیسم و مدرنیسم فلسفی، نشریه عصر پنجشنبه، شماره ۹۱-۹۲.
۴. اولیایی نیا، هلن (۱۴۰۰) داستان کوتاه در آینه نقد، نهفت.
۵. اولیایی نیا، هلن (۱۳۷۹) داستان کوتاه در آینه نقد. اصفهان: فردا.

۶. اولیایی نیا، هلن (۱۳۸۹) مدرنیسم و پسا مدرنیسم در آثار داستان کوتاه نویسان معاصر ایران، کتاب ماه ادبیات شماره ۴۴ پیاپی ۱۵۸.

۷. برونوفسکی، ج. و مازلیش، ب. (۱۴۰۳) سنت روشنفکری در غرب (از لئوناردو تا هگل) ترجمه لی لا سازگار، انتشارات آگاه.

۸. سبحانی، ژینوس (۱۴۰۳) قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای رفتار با زندانیان (قواعد نلسون ماندلا)، انتشارات روزانه.

۹. شجاعی محمدمهدی (۱۴۰۱) «در دفاع از فهم» سخنرانی‌های آلبر کامو، ترجمه محمدمهدی شجاعی، تهران: نشر چشمه.

10. Merry man (2007), The civil law tradition: on introduction, John Henry. Rogelio Perez to the legal system of Europe and Latin America Stanford university press.

11. Paul Gordon (2003) The evolution of human rights, University of Pennsylvania press.